دنیا به روایت تصویر

رونمایی از مجسمه غول پیکر مرد آهنی در چین! عکس از گاردین

حرکت فوق نمایشی و جالب یکی از بسکتبالیست های تیم «فینیکس سانز» در لیگ NBA، عکس از رویترز

کشف یک قورباغه که از ناخن هم کوچک تر است! عکس از گاردین

دی روزنامه

احساس اشتباه اینترنت بازان درباره حجم‌شان!

به گزارش روزنامه، وزیر ارتباطات در دفاع تمام قد از عملکرد اپراتورها گفته: «حجم‌خوری نداریم. کاربران احساس می‌کنند اینترنت زود تمام می‌شود.» این خبر حرف‌های بسیاری دارد. اول این که حجم‌خوری با عقل هم جور درنمی‌آید. اپراتورها فقط گاهی شارژ می‌خورند که آن هم با اجازه خودمان است، وقتی مشترک پیامک‌های زوری‌شان می‌شویم و دکمه «اشتباه کردمش» هم از کار می‌افتد! اصلا احتیاجی نیست اپراتورها حجم بخورند. اتفاقا هرچه خوش حساب‌تر باشند و بهتر خدمات بدهند، مشتری‌ها بیشتر جذب‌شان می‌شوند و همان زمان‌هایی را هم که گوشی دست شان نیست در اینترنت چرخ می‌زنند و با گوشی می‌خوابند!

از طرف دیگر حرف آقای وزیر درباره «احساس» هم درست است. زمانی بود که از اینترنت گوشی فقط برای فرستادن جوک و احوال پرسی استفاده می‌شد. ولی الان با وجود اینستاگرام و استوری‌ها و لایوهایش و کانال‌ها و گروه‌های تلگرامی و کلیپ‌های تکراری شوهرعمه‌ها و گیف‌هایی که خاله‌ها روزی سه نوبت در گروه خانوادگی می‌گذارند تا صبح و ظهر و شب خوبی برایمان آرزو کنند و نسخه‌های لاغری با استفاده از آب پرتقال و بیسکویت سبوسدار نئوپانی، با وجود همه این ها معلوم است که دمار از روزگار حجم اینترنت مان درمی‌آید! همه این ها ناشی از «احساس» اقوام است که این طور قلپ قلپ حجم خورده می‌شود!

مسئله دیگر این که آقای وزیر گفته این گلایه در شبکه اجتماعی که عضو هستم از سوی کاربران مطرح شد. همین نشان می‌دهد که آقای وزیر هم از ماست و دستش در شبکه‌بازی است! اگر این طور است که ما هم به عنوان کاربران همان شبکه‌ای که آقای وزیر نمی‌تواند اسمش را بیان کند، عاجزانه درخواست می‌کنیم تا شیرفلکه اینترنت را یک چند دوری بیشتر باز کنند تا دست کم بتوانیم کانال‌مان را به روز کنیم. در ضمن به کار بردن اصطلاح «حجم‌خوری» هم نشان می‌دهد ایشان در کار «حجم» هم هست و اهل پشت بازو و کول و عضله‌های دوقلوست که در این صورت امیدواریم «اشتباه نزند» و به‌جای باز کردن شیرفلکه اینترنت، کلا قطع اش نکنند!

علیرضا کاردار

دور دنیا

رها کردن هزار جوجه بی صاحب در مزرعه!

بورد پاندا/ دریکی از مزارع سر سبز نزدیک لندن، مالک مزرعه با یک صحنه عجیب رو به رو شد! شخصی هزار جوجه کوچک را در مزرعه او رها کرده بود تا از دست شان خلاص شود. جوجه های کوچک که شبیه به یک سیل زرد رنگ در مزرعه رها شده بودند، آن قدر پر سر و صدا بودند که خیلی زود باعث تجمع مردم شدند. پلیس هنوز هم در پی یافتن شخصی است که این جوجه ها را رها کرده است و هیچ سر نخی هم از علت این اتفاق عجیب در دست نیست!

خوابیدن در گور برای فراموش کردن طلاق!

دیلی میل/ «لیو تایجی» زن ۳۰ ساله طلاق گرفته چینی، روش عجیب و البته کارآمدی را برای مقابله زنان با شکست روحی بعد از طلاق ابداع کرده است که طرفداران زیادی هم دارد. او و گروهی از زنان مطلقه برای این که با بحران طلاق کنار بیایند به قبرستان می روند و هر بار لحظاتی را در گور می خوابند تا گذشته تلخ شان را به گور بسپارند. «لیو» که با وجود یک دختر سه ساله همسرش او را در ۲۱ سالگی طلاق داده است، اعتقاد دارد که بحران بعد طلاق برای زن ها خیلی آسیب زاست.

رنگ مویی که با حرارت تغییر می کند!

بورد پاندا/ یک شرکت تولید رنگ موی معروف انگلیسی به تازگی محصول جدیدی را معرفی کرده است که فرمول محرمانه آن باعث تعجب دنیای مد شده است. رنگ موی جدید این شرکت با نام «فایر» قابلیت آن را دارد با تغییر درجه حرارت هوا و قرار گرفتن در سایه یا آفتاب تغییر رنگ دهد! «لورن بروکر» سازنده فرمول منحصر به فرد این محصول که به کیمیاگر معروف است، می گوید که این رنگ حتی به رطوبت هم واکنش نشان می دهد و تغییر می کند!

چک کردن تلگرام در هر شرایطی!

Like Comment

- «باشه برای بعد از عید»؛ به زودی در مدارس و دانشگاه ها و ادارات سراسر کشور!
- این قدر لباس ریختم تو لباسشویی که بنده خدا یه تعدادیش رو درآورده داره با دست می‌شوره!
- شما یه روز قاب گوشی نندازی، جاذبه زمین ۱۰ برابر می شه!
- خونه تکونی فقط اونجاش که کارگر میاد کل کارهای خونه رو انجام میده وقتی تو در حال سوشی خوردن هستی، البته من همون کارگرم دارم تبلیغ کارم رو می‌کنم!
- یک ظرف کادویی تو خونه داریم، سه دور تا حالا تو فامیل چرخیده و دوباره رسیده دست خودمون. دیگه جعبه اش پاره شد مجبور شدیم ازش استفاده کنیم!
- یه جوری به کدو می گید تنبل... انگار هندونه صبح به صبح پا می شه می ره نون سنگک می‌گیره میاد!
- من شب ها قبل خواب فهرست کارهای مهم فردا رو می‌نویسم، صبح که بیدار شدم از مهم‌ترین هاش شروع می‌کنم به لغو کردن!
- تو سیسمونی، ماشین لباسشویی مخصوص لباس کودک می ذارن! خب یخچال و یه دست مبل و تلویزیون هم بذارید، براش یه خانه جدا هم بگیرین بره دنبال زندگیش دیگه!

Like Comment

نیاز طنزیها

نویسنده: ناصر رعیت نواز

ما و شما

شماره پیامک: ۲۰۰۰۰۹۹۹

* لطفا ستون «ترسانک» رو به همشهری سلام برگردونین. چه طور داستانِ ترسناک واستون بفرستم؟

ما و شما: لطفاً به شماره ۳۷۶۱۵۰۴۲ فکس یا در تلگرام به شماره ۰۹۲۱۵۲۰۳۹۱۵ ارسال کنین.

* مشکوکم به سرسبزی کاج در زمستان، مشکوکم به جاده ای که می خواست بار سفر را ببندد.

حسن عبدالهی

* به نظر من صفحه فرفره خیلی قشنگ و جالب است. من از قصه ها و دانستنی ها خوشم می آید. امیرمحمد مژدی
* در صفحه تون برای نوجوان ها نکته های «آیا می دانید» بگذارید. ممنون.
* کمیک منصوریان خیلی خوب بود، برای منم جالب بود که کت و شلوار پوشیده چون تا حالا با کت ندیده بودمش! فقط حیف که الکی باختن.

مسابقه شماره ۱۴۰

1sargarmi.ir

اسپرت خفن

طراح: محمدمهدی رنجبر
تصویرساز: سعید مرادی

با نگاه طنز، زیر هر تصویر، کلمه معناداری نوشتیم. بعدش هر حرف الفبا رو به علامتی تبدیل کردیم. شما بگین کلمات چی هستن! پاسخ رو تا ساعت ۲۳ فقط به خط اختصاصی ۳۰۰۰۷۲۲۵۲ پیامک کنین. جایزه نقدی به قید قرعه برای کسانی واریز می شه که پاسخ صحیح ۳مسابقه پیاپی رو فرستاده باشن. پاسخ در ستون «ما و شما»ی بعدی! متن کل پیامک های رسیده در وب سایت!

÷ * × ؛ < / { × * ؛ ؟ ! | = −) * ×

با افتخار، زمان ۲۰ دقیقه!

سلام. چندتا از پیامکارو بخونیم:

* ۱۴۶...۰۹۳۷۰: سلام. جواب مسابقه ۱۳۹ میشه سبزه‌رو-روبه‌راه-قابساز. زمان: ۲۰ دقیقه!

- قشنگ معلومه ایشون، برای بقیه مسابقه هامون حداقل ۱۰ ساعت وقت صرف می کردن ولی الان که توی ۲۰ دقیقه تونستن به جواب برسن اینقدر ذوق کردن که مدت زمان حلشون رو توی پیامک قید کردن.

* ۰۹۱۵۹...۱۹۱: خفن جان سلام. می خواستم بدونم وقتی باید جواب سه شماره پیاپی رو فرستادتا قبول بشه واسه قرعه کشی، خب اگه تو یه شماره یه دونه اشتباه نوشته بشه، دو شماره بعدی حتی درست هم باشه بی فایده خواهد بود؟

- خفن دوست جان سلام. بله متاسفانه باید عرض کنم حتی اگر یکی از سه کلمه رو در یکی از سه مسابقه پیاپی ما اشتباه جواب بدین در قرعه کشی شرکت داده نمی شین. فعلا!

در محضر بزرگان

اثر غذا بر افکار انسان

مرحوم آیت ا... کوهستانی در اهمیت غذای طیب و حلال گفته‌اند:« اثر غذا در آدم بسیار زیاد است. انسان وقتی غذا می‌خورد، بخشی تبدیل به خون می‌شود و به مغز می‌رسد، در نتیجه اگر غذا طیب و طاهر نباشد، بر افکار انسان ها اثر می‌گذارد و این فکرهای شیطانی ناشی از تأثیر آن ناپاک است. من خود گاهی که می‌نشینم، اگر فکرهایی به ذهنم بیاید، بلافاصله می‌اندیشم که امروز چه چیزی خورده ام. نفس را هر طور عادت بدهید همان گونه پرورش می‌یابد؛ اگر توانستید کنترل کنید همان جا می‌ایستد ولی اگر نفس را آزاد گذاشتید، دیگر نمی‌شود او را کنترل کرد.»

برگرفته از کتاب«بر قله پارسایی»

داستان واقعی

پدر و دختر سیر همدیگر رو می دیدند!

دیر می آمد، زود می رفت. وقتی هم که می آمد، چشم هاش کاسه خون بود. در این شرایط نرگس برای باباش ناز هم می کرد و تا دیر وقت نمی خوابید. آقا حسن می گذاشتش روی پاش و لالایی می خوند. تا می خواست بگذاردش زمین، گریه می کرد. هرچی اصرار کردم بچه را بده، نمی داد. پدر و دختر سیر همدیگر را می دیدند هر بار.

برگرفته از کتاب خاطرات شهید حسن باقری اثر فرزانه مردی

فتو شعر

حکایت

دور اندیشی با چاشنی پیش‌بینی!

پیرمرد زرگری به دکان همسایه زرگر رفت و گفت: «ترازویت را به من بده تا این خرده‌های طلا را وزن کنم.» همسایه‌اش که مرد دور اندیشی بود گفت: «ببخشید من غربال ندارم.» پیرمرد گفت: «من ترازو می‌خواهم و تو می‌گویی غربال نداری، مگر کر هستی؟» همسایه گفت: «من کر نیستم ولی درک کردم که تو با این دست‌های لرزان خود چون خواهی خرده‌های زر را به ترازو بریزی و وزن کنی مقداری از آن به زمین خواهی ریخت، آن وقت برای جمع آوری آن‌ها جاروب خواهی خواست و بعد از آن که زرها را با خاک جاروب کردی آن وقت غربال لازم داری تا خاک آن‌ها را بگیری، من هم از همین اول گفتم که غربال ندارم. هر که اول بنگرد پایان کار/ اندر آخر، او نگردد شرمسار!»

برگرفته از مثنوی

فتو نکته

بریده ها

قالی نوعروس تا بخواهی جان دارد

بی‌بی‌های ما پای دار قالی حرف‌هایی می‌زدند... می‌گفتند تار و پودی که زن آبستن و زائو ابزار زده باشد، شل و وارفته است. فرشی که پیرزن بافته باشد، گرم است و به درد خواب زمستان می‌خورد... فرش دختر مجرد تیز رنگ است و تند و چشم را می‌زند... اما همان‌ها می‌گفتند که امان از قالی نوعروس و دختر عاشق... نقش اش هزار راه می‌برد آدم را... نقش اش غلط است؛ مرغ اش سر می‌کند توی گل و گل اش می‌رود زیر بال و پر مرغ، اما عوض اش تا بخواهی جان دارد...

برگرفته از کتاب «قِدار» اثر رضا امیرخانی

اندکی صبر

سوغاتی

هر کجا رفتی
برایم عصایی بیاور
من از دوری تو
پیر می شوم

ناصر رعیت نواز